

توضیح تواینر به یک گزارش

**به جای خاموشی**

**ساعات کار صنایع جابه جاشد**

شرکت تواینر در واکنش به گزارش «تنگنای برق» روزنامه «شرق»، توضیحاتی را ارسال کرده است که در ادامه می‌بینید:
در سال جاری و با تلاش‌های صورت‌گرفته، هیچ‌گونه خاموشی برنامه‌ریزی شده ناشی از کمبود تولید برق اعمال نشده است.

صفحه ۴



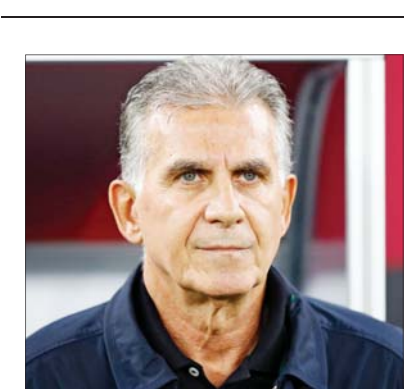
چشم‌پنجه ۱۷ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۱ صفر ۱۴۴۴ • ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** والیبال؛ تیم ملی‌ای که خیلی دوستش نداشتیم، ماه عسل نخست‌وزیر جدید بریتانیا آغاز نشده پایان یافت و **یادداشت‌هایی از مهدی افشار، فرشاد اسماعیلی، ابراهیم ایوبی**

**بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اقتصاد کشورهای مختلف در شرایط شکننده‌ای قرار گرفته است**

# جهان خسته

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



**بند محرمانه در قرارداد کارلوس کی‌روش با ایران؟**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



انتخاب مهدی تاج به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال یک دوقطبی دیگر به ورزش ایران اضافه کرد؛ مخالفان سرسخت این مدیر شناخته‌شده همچنان تأکید دارند که او به دلیل تخلفاتش صلاحیت قرارگرفتن در این جایگاه را ندارد و در سوی دیگر تاج حامیانش همه اتهامات را رد می‌کنند و تأکید دارند غیرفوتبالی‌ها نباید فضای فوتبال را غبارآلود کنند. روزی نیست که درباره مهدی تاج صحبت نشود. چند نماینده مجلس همچنان پیگیر پرونده‌های قضائی رئیس فدراسیون‌اند و او را در پرونده قرارداد مارک ویلموتس و تخلف مالی فولاد مبارک سهیلان یک مجرم می‌دانند. آنها وزیر ورزش را به دلیل نتیجه انتخابات فدراسیون تهدید به استیضاح کرده‌اند و وعده می‌دهند تاج به سرنویشت سب بلاتر، رئیس سابق فیفا، گرفتار خواهد شد. این روی یک سکه است، در روی دیگر سکه گفته می‌شود تمام صحبت‌هایی که درباره مهدی تاج می‌شود، اتهامات بی‌اساس است، هیچ اتهام ثابت‌شده‌ای وجود ندارد و او اگر مشکل یا پرونده قضائی داشت، برای حضور در انتخابات تأیید صلاحیت نمی‌شد. تاج اگر مدیر کارآمدی نبود، این‌گونه در مجمع فدراسیون فوتبال رای نمی‌آورد. ورای اینکه تاج متخلف است یا یک مدیر پاکدست، پرونده قضائی دارد یا ندارد، این موضوع مطرح است که چرا درباره او شفاف‌سازی نمی‌شود. مگر می‌شود درباره فردی که یکی از مهم‌ترین بیست‌های کشور را به دست آورده، این مقدار تناقض و عدم شفافیت وجود داشته باشد؟ تاج اگر واقعا آن شیطانی است که احمد راستینه و چند نماینده دیگر مجلس ترسیم می‌کنند، چرا مراجع نظارتی و قضائی از حضور او در انتخابات یک فدراسیون بسیار مهم جلوگیری نکردند و تخلفات او علنی نمی‌شود. تاج اگر هم فرشته نجات فوتبال ایران است و بدون هیچ پرونده قضائی به صندلی قبلی‌اش رسیده است، چرا این‌گونه درباره او فضاسازی می‌شود. انتشار یک سند متناسب به دادستانی هم نوری به این مسئله میهم نتاباند. مخالفان از آن به عنوان فهرست بلندبالای تخلفات تاج نام بردند. رئیس فدراسیون اسما آن را موضوعی قدیمی قلمداد کرد که درباره موارد مطرح‌شده برایش منع تعقیب صادر شده است، مقصر این دوگانگی و ابهامات کیست؟ چه کسی را باید استیضاح کرد؟ کدام ارکان مقصر است؟ آیا آنچه نمایندگان مجلس می‌گویند، درست است یا آنها با رئیس فدراسیون خصومت شخصی دارند؟ آیا به صداوسمیما برای تحریب تاج خط می‌دهند؟ بدون تردید نبود شفافیت باعث ایجاد این سؤالاها شده است. بحران نبود شفافیت باعث شده که وزیر ورزش بگوید هیچ دستگاه نظارتی درباره تاج نظر منفی نداده و نماینده مجلس از مجرم‌شدن رئیس فدراسیون در آینده‌ای نزدیک خبر می‌دهد. سندی رو می‌شود و رسمیت پیدا نمی‌کند. تاج تنها کسی نیست که درباره او این فضای مبهم وجود دارد و اگر در این زمینه مقصراتی وجود داشته باشند، آن مقصران نهادهای نظارتی‌اند که شفاف عمل نمی‌کنند.

**پایان کار یک سفیر جنجالی**

شرق: خبرها حکایت از پایان کار لوان جاکاریان، سفیر جنجالی و پرحاشیه روسیه در ایران دارد. آن‌گونه که سه‌شنبه کاظم جلالی در توییته گفته قرار است که به‌زودی سفیر جدید روسیه عازم تهران شود. در این راستا سفیر ایران در مسکو می‌نویسد: «با الکسی ددوف دیدار داشتم. او به‌زودی به‌عنوان سفیر جدید روسیه در ایران شروع به کار خواهد کرد. هر دو طرف تأکید کردیم که روابط ایران و روسیه در یکی از بهترین دوران تاریخی خود به سر می‌برد...

صفحه ۲

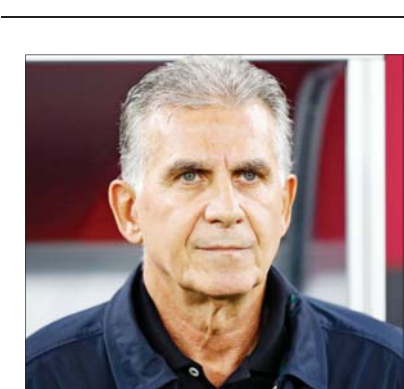
چشم‌پنجه ۱۷ شهریور ۱۴۰۱ • ۱۱ صفر ۱۴۴۴ • ۸ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۰ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

**در «شرق» امروز می‌خوانید:** والیبال؛ تیم ملی‌ای که خیلی دوستش نداشتیم، ماه عسل نخست‌وزیر جدید بریتانیا آغاز نشده پایان یافت و **یادداشت‌هایی از مهدی افشار، فرشاد اسماعیلی، ابراهیم ایوبی**

**بررسی داده‌ها نشان می‌دهد که وضعیت اقتصاد کشورهای مختلف در شرایط شکننده‌ای قرار گرفته است**

# جهان خسته

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



**بند محرمانه در قرارداد کارلوس کی‌روش با ایران؟**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید



انتخاب مهدی تاج به‌عنوان رئیس فدراسیون فوتبال یک دوقطبی دیگر به ورزش ایران اضافه کرد؛ مخالفان سرسخت این مدیر شناخته‌شده همچنان تأکید دارند که او به دلیل تخلفاتش صلاحیت قرارگرفتن در این جایگاه را ندارد و در سوی دیگر تاج حامیانش همه اتهامات را رد می‌کنند و تأکید دارند غیرفوتبالی‌ها نباید فضای فوتبال را غبارآلود کنند. روزی نیست که درباره مهدی تاج صحبت نشود. چند نماینده مجلس همچنان پیگیر پرونده‌های قضائی رئیس فدراسیون‌اند و او را در پرونده قرارداد مارک ویلموتس و تخلف مالی فولاد مبارک سهیلان یک مجرم می‌دانند. آنها وزیر ورزش را به دلیل نتیجه انتخابات فدراسیون تهدید به استیضاح کرده‌اند و وعده می‌دهند تاج به سرنویشت سب بلاتر، رئیس سابق فیفا، گرفتار خواهد شد. این روی یک سکه است، در روی دیگر سکه گفته می‌شود تمام صحبت‌هایی که درباره مهدی تاج می‌شود، اتهامات بی‌اساس است، هیچ اتهام ثابت‌شده‌ای وجود ندارد و او اگر مشکل یا پرونده قضائی داشت، برای حضور در انتخابات تأیید صلاحیت نمی‌شد. تاج اگر مدیر کارآمدی نبود، این‌گونه در مجمع فدراسیون فوتبال رای نمی‌آورد. ورای اینکه تاج متخلف است یا یک مدیر پاکدست، پرونده قضائی دارد یا ندارد، این موضوع مطرح است که چرا درباره او شفاف‌سازی نمی‌شود. مگر می‌شود درباره فردی که یکی از مهم‌ترین بیست‌های کشور را به دست آورده، این مقدار تناقض و عدم شفافیت وجود داشته باشد؟ تاج اگر واقعا آن شیطانی است که احمد راستینه و چند نماینده دیگر مجلس ترسیم می‌کنند، چرا مراجع نظارتی و قضائی از حضور او در انتخابات یک فدراسیون بسیار مهم جلوگیری نکردند و تخلفات او علنی نمی‌شود. تاج اگر هم فرشته نجات فوتبال ایران است و بدون هیچ پرونده قضائی به صندلی قبلی‌اش رسیده است، چرا این‌گونه درباره او فضاسازی می‌شود. انتشار یک سند متناسب به دادستانی هم نوری به این مسئله میهم نتاباند. مخالفان از آن به عنوان فهرست بلندبالای تخلفات تاج نام بردند. رئیس فدراسیون اسما آن را موضوعی قدیمی قلمداد کرد که درباره موارد مطرح‌شده برایش منع تعقیب صادر شده است، مقصر این دوگانگی و ابهامات کیست؟ چه کسی را باید استیضاح کرد؟ کدام ارکان مقصر است؟ آیا آنچه نمایندگان مجلس می‌گویند، درست است یا آنها با رئیس فدراسیون خصومت شخصی دارند؟ آیا به صداوسمیما برای تحریب تاج خط می‌دهند؟ بدون تردید نبود شفافیت باعث ایجاد این سؤالاها شده است. بحران نبود شفافیت باعث شده که وزیر ورزش بگوید هیچ دستگاه نظارتی درباره تاج نظر منفی نداده و نماینده مجلس از مجرم‌شدن رئیس فدراسیون در آینده‌ای نزدیک خبر می‌دهد. سندی رو می‌شود و رسمیت پیدا نمی‌کند. تاج تنها کسی نیست که درباره او این فضای مبهم وجود دارد و اگر در این زمینه مقصراتی وجود داشته باشند، آن مقصران نهادهای نظارتی‌اند که شفاف عمل نمی‌کنند.

## واکنش نماینده عضو جبهه پایداری به یک گزارش

جوابیه مؤسسه مصادف به یک گزارش

**شبهه‌افکنی به سبک «شرق»!**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید

**یادنامه پروفوسور «هارالد فریش» و میراث ماندگارش فیزیک‌دانی که تاجی از ذرات بر سر داشت**

امروز که در حال نوشتن این یادنامه برای استاد فقیدم، زنده‌یاد پروفوسور «هارالد فریش» هستم، از غم‌بارترین روزهای زندگی‌ام است. با تمام وجودم حس می‌کنم غزیری از خانواده‌ام را از دست داده‌ام و تکیه‌گاهی بزرگ را در جهان دانش. امروز که در حال نوشتن این مقاله یادبود، اما درواقع رنج‌نامه هستم، از سویی چشمانم اشک‌بار است از فقدانش و از سویی دردی بزرگ در سینه دارم که چرا نمی‌توانم در مراسم بزرگداشت مردی حضور داشته باشم که بسیار مدیون مهر و بزرگواری او هستم. مرزها فقط یک خط روی نقشه نیستند و سفارتخانه‌ها سفیر صلح و فرهنگ نیستند؛ وگرنه باید برای روز بزرگداشت او از ایران چندین نفر به مونیخ سفر می‌کردند و در مراسم او از جانب ایران و از جانب ناشرانی که کتاب‌های او را چاپ کرده و خواهند کرد، دسته‌کلی روی سنگ مزارش می‌گذاشتند. وقتی به این می‌اندیشم که سابه سنگین سیاست چگونه راه را بر ما بسته که نمی‌توانیم به‌آسانی برای شرکت در مراسم سوگواری مردی حضور داشته باشیم که به وقت زنده‌بودنش بسیار ایران ما را دوست داشت، قلمب فشرده می‌شود و یاد تکه‌ای از شعر سهراب سپهری می‌افتم که می‌گویند: بانگی از دور مرا می‌خواند، لیک پاهایم در قیر شب است. گویی جهان سیاست مانند قیر شب است که پای پژوهشگران در آن فرورفته.

این گزارش را در صفحه ۶ بخوانید

**یادداشت**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید

**دنیای مجازی وزندگی در شهرهای ما**



دنیای مجازی مکان شگفت‌انگیزی است و دیگر سال‌هاست همه ما به آن معتاد شده‌ایم. اما به این وابستگی شدید آگاه هستیم؟ یا خودباخته‌ آیم؟ نازندگ کسانی که امروز از فضا‌های مجازی استفاده نمی‌کنند با آنها که می‌توانند خود را کنترل کنند و آگاهانه، ساعات کمی در روز را به فضا‌های مجازی برونند و سنجیده و در حد نیاز واقعی از آن استفاده کنند. از کپ‌وکفت‌های خصوصی و جمع‌های دوستانه و فامیلی که بگذریم، تقریبا تمام کسب‌وکارها فضای مجازی خود را دارند. روی اینستاگرام تصویری تبلیغ می‌کنند و با مشتریان خود ارتباط دارند. تمام نهادهای دولتی و غیردولتی نیز کانال‌ها و سایت‌های خود را دارند و این مکان‌های مجازی، اگر به‌روز شوند، بهترین جا برای جست‌وجو و دسترسی به همه نوع اطلاعات دقیق محسوب می‌شوند و این یک نعمت است برای جامعه مدنی؛ رایگان و سهل‌الوصول؛ به‌شرطی که افراد دچار انفعال و کم‌گشتگی در مقابل این فضا نشوند. این یک واقعیت است که ما با تکیه بر فضای مجازی، تا حدودی از زندگی واقعی در شهر‌های مان و معاشرت جدی و واقعی با یکدیگر غافل مانده‌ایم. عالم مجاز، آنجا که وسیله کسب‌وکار نباشد و تفریحی و دل‌بخواهی یا به نوعی انتخابی باشد، به جای اختلاط همگان تبدیل شده است. امروز بخشی از تصویر ذهنی ما از جامعه، به‌خصوص در جامعه شهری، همین مکان نسبتا دموکراتیک است که افراد روی آن آزادانه مستقر می‌شوند و پیش می‌رانند. وقتی می‌توانیم جلسات چندصن‌نفره روی اینستاگرام یا کلاب‌هاوس بگذاریم، بدون هیچ‌گونه نیازی به هزینه و هماهنگی، این قطعا یک فرصت است. از ترافیک شهری هم می‌کاهد. لازم هم نیست هر روز عطر بزینم و کفش پاشنه‌بلند بپوشیم و وقت‌مان را برای طی مسافت‌های طولانی در ترافیک هدر دهیم. هر شب چندین جلسه مجازی، خیلی جدی، حرفه‌مندان و متخصصان دغدغه‌مند را از دور دنیا گردهم جمع می‌کند و به صحبت و تبادل نظر وامی‌دارد. جلساتی که اگر این وسایل نبود، هیچ‌گاه ممکن نمی‌شد. اما آیا ما باید زندگی‌مان را به این کپ‌وکفت‌های مجازی محدود کنیم؟

ادامه در صفحه ۵



عکس: علی خارا، فارس

**مریم رحمانیان:** رضا کیانیان در نقش مردی کاریزماتیک، بازیگر محوری نمایش پدر است؛ نمایشی که به کارگردانی آروند دشت‌آرای در سان اصلی تئاتر شهر از هفته اول شهریور تا بیستم مهر اجرا می‌شود. دو سال پیش فلوریان زلر، نویسنده این نمایش نامه، فیلمی براساس این اثر ساخت که موفق به دریافت دو جایزه اسکار شد. دست‌گذاشتن روی اجرای چنین نمایش نامه غیرخطی و پیچیده‌ای بعد از موفقیت‌های پرشمار جهانی‌اش، کار پریسکی بوده که آروند دشت‌آرای به انتخاب آن روی آورده است.

اما هر بار باید تکرار کرد که هر نمایش نامه خوبی در نهایت متنی است که روی اجراهایی بی‌شمار آغوش باز کرده است. یک متن ارزشمند نه‌تنها فیلم‌ها و نمایش‌های مختلف را می‌زاید، بلکه در صحنه ذهن تمام خوانندگانش با خوانش‌های مختلفی که از اثر دارند، به اجرا می‌رود. به مناسبت شروع ی‌رقدرت این نمایش برای یک گفت‌وگوی چندوجهی سراغ کیانیان رفتم تا از او درباره سفیدی خیره‌کننده فراموشی ببرسیم. کیانیان درباره جنون موسمی گفت و اینکه چطور فکر قتل، دزدی و خودکشی را در ناخودآگاهش ذخیره می‌کند و از آنها در بازی‌هایش استفاده می‌کند. درباره به‌بازی‌گرفتن جن گفت و بی‌نیازی‌اش به جن‌گیری، از آلزایمر پدربزرگش و ترس مقطعی خودش از فراموشی. گفت حواسش به نشانه‌های فراموشی جمع است؛ اینکه نشانی خانه‌اش را اشتباه نگیرد، کفش‌هایش را برعکس نپوشد و خندیدن را از یاد نبرد.

این گفت‌وگو را در صفحه ۱۲ بخوانید

**یادداشت**

گزارش تیتربک را در صفحه ۴ بخوانید

**آغاز فصلی جدید در نقض قانون اساسی**



اجرای سلیقه‌ای قانون اساسی‌که عموما آمیخته با تفاسیر خاص بوده، چیز جدیدی نیست، با وجود این آنچه تحت عنوان مصوبه اخیر شورای عالی فضای مجازی به ریاست رئیس جمهوری رخ داده، فصل جدیدی در به‌حاشیه‌راندن قانون اساسی و بسط تعطیلی و تعلیق به اصول متعدد آن است. عنوان این مصوبه «شرح وظایف، اختیارات و ترکیب اعضای کمیسیون عالی فضای مجازی کشور» است که در واقع همان‌طورکه بسیاری از ناظران هم تأکید کرده‌اند، کپی‌بخش‌هایی از طرح صیانت است که موافقان آن موفق به تصویبش در مجلس نشدند. اتفاق مهمی که در این مصوبه افتاده، تحدید واضح و کامل اختیارات قانون اساسی قوای سه‌گانه در حوزه حکمرانی فناوری اطلاعات است. در واقع براساس این مصوبه، شورای عالی فضای مجازی خود را در حکمرانی فناوری اطلاعات به جای قوای سه‌گانه نشانده است. اول اینکه این شورا به جای مجلس رسما و علنا اقدام به قانون‌گذاری کرده و این نقض صریح اصل ۸۵ قانون اساسی است که انحصار قانون‌گذاری را صرفا برای مجلس ایجاد کرده است. درست است که شورای عالی فضای مجازی نام اقدام خود را «مصوبه» گذاشته اما این نام‌گذاری چیزی را تغییر نمی‌دهد. نام متن تصویب‌شده توسط شورای عالی فضای مجازی هرچه باشد، در عمل محدوده تأثیر و اثر اجرایی آن معادل قوانین موضوعه کشور است. این مصوبه تکلیف، اختیارات، مسئولیت‌ها و حتی مجازات‌های جدیدی تعیین کرده است و تعیین چنین مواردی صرفا در صلاحیت قوانین است نه مصوبات نهادهای مختلف. به همین اعتبار این اقدام یک قانون‌گذاری محسوب می‌شود و اینکه به جای لفظ «قانون» از لفظ «مصوبه» استفاده شده چیزی از این واقعیت کم نمی‌کند. به عبارتی اقدام غیرقانونی ذکر شده را نمی‌توان با تغییر لفظ در این مورد آرایش کرد. مصوبه یادشده تحدید اختیارات قانون اساسی قوه قضائیه نیز هست، چراکه اختیار رسیدگی به شکایت‌ها را نظیر بند ۴-۶ تبصره ماده ۴ یا اعمال مجازات مانند بند ۴-۲ تبصره ماده ۴ را به کمیسیون عالی فضای مجازی کشور سپرده است. حال آنکه این وظایف به تصریح اصول ۱۵۶ و ۱۵۹ صرفا بر عهده قوه قضائیه است.

ادامه در صفحه ۴

**سرمقاله**

**نمی‌دانیم یا نمی‌خواهیم بدانیم**



ریاست محترم پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در مصاحبه‌ای اولویت‌های برنامه هفتم توسعه را به قرار زیر برشمرده‌اند: اولویت اول؛ رشد اقتصادی با تمرکز روی سرمایه‌گذاری که در سال گذشته منفی بوده است.

اولویت دوم؛ رفع و کاهش تورم که در حوزه اقتصادی قرار دارد. بنابراین اگر تورم بر روی سرمایه‌گذاری که بخواهد رشد اقتصادی داشته باشد، باقی بماند. از حوزه‌های مولد به سمت غیرمولد تغییر جهت پیدا می‌کند.

اولویت سوم؛ توانمندسازی نهاد دولت، ضعف‌هایی در دیوان‌سالاری‌های غیرکارآمد در نهاد دولت وجود دارد. تعارض منافی به وجود آمده و نهاد راهور توسعه‌ای در کشور تکلیفش معلوم نیست.

اولویت چهارم؛ تقویت جامعه است. مشارکت جامعه، امید جامعه، اعتماد جامعه و همچنین همراهی جامعه برای تحقق هر برنامه توسعه‌ای، شرط لازم و ضروری است. تردیدی نیست که همه مطالب ذکرشده، اموری است لازم که دیر یا زود باید انجام شود و البته در فهرست مطالب مهم قرار می‌گیرند؛ یعنی بدون آنها آینده کشور مبهم خواهد بود. مثلا سرمایه‌گذاری که حتما باید انجام شود یا ارتقای سرمایه اجتماعی و مشارکت مردم، اعتماد و امیدآفرینی و اصلاح دولت. همه این مسائل را می‌توان روی کاغذ نوشت یا مطالب را به‌طور کلی در کلام بیان کرد. اما به نظر می‌رسد هیچ‌کدام ماهیت برنامه‌ای نداشته و بیشتر شبیه هدف‌گذاری و سیاست‌گذاری است. سیاست‌گذاری‌هایی که شبیه به آن و حتی منطبق با آن در سال‌های مختلف انجام شده. اما حاصلی به دست نیامده است و حتی از آنچه مقام معظم رهبری به‌عنوان اقتصاد مقاومتی ابلاغ کرده‌اند نیز حاصل اجرایی را نمی‌توان مشاهده کرد. به‌طور کلی برنامه‌ها متناثر و ناشی از اهداف، راهبردی‌ها و سیاست‌ها بوده و این امور راهنما برای برنامه هستند. برنامه‌ها در حقیقت نسخه اجرایی اسناد بالادستی هستند که آن‌هم به‌طور کامل در کشور ما وجود دارد.

برنامه‌ها بر اساس اولویت‌های کشور نوشته می‌شوند و اگر اولویت‌ها را ندانیم یا نخواهیم بدانیم، بالطبع موفق به ارائه برنامه حسب نیاز کشور به حال و آینده نمی‌شویم یا نمی‌توانیم آن را به اجرا درآوریم. مانند برنامه ششم توسعه که به تحقق برنامه خوب و منامسی بود، ولی فاقد اولویت و به همین دلیل و البته به دلیل عدم توجه رئیس‌جمهور قبلی به تحقق بیوست. بر اساس اعلام نظر دفتر ریاست‌جمهوری، اولین تقاضای مردم در سفرهای استانی رئیس‌جمهور مسئله آب است و البته بر واضح است که این یک مسئله اصلی در کشور است. با توجه به شرایط اقلیمی و بهره‌برداری ناصحیح از آب در کشاورزی، عدم آب‌چرختانی و سایر نقص‌های بهره‌برداری، امروز آب به‌عنوان عامل فروپاشی کاملا مطرح است و صدها مسئله از قبیل مهاجرت، بی‌کاری، گرانی، کمبود برق، خالی‌شدن روستا، بحران دامداری، نشست زمین در دشت‌ها، ویرانی اماکن و زیرساخت‌ها، همه و همه وابسته به آب است و متأسفانه در برنامه در اولویت قرار ندارد و صدا‌لبته در اقدامات اجرایی دولت هم به‌جز آنچه ناگهان بروز می‌کند، جای شایسته‌ای ندارد؛ مانند اجبار به اجرای سریع طرح غدیر در خوزستان و اخیرا لوله‌کشی ۱۴۰کیلومتری از بیجار به همدان درحالی‌که بیجار خود تشنه است و برخی روستاهای آن با تانکر آب‌رسانی می‌شود. امروز نه قطار سریع‌السیر اصفهان- قم نه اتوبان تهران- شمال، نه دو تیرروگاه انرژی اتمی جدیدالاحداث یوشهر، نه دیگر طرح‌های دهان‌پرکن در اولویت نیستند، بلکه اولویت نجات زیربنا‌های کشور است. امروز اولویت برنامه کشور باید بر اساس صرفه‌جویی در انرژی، تولید انرژی پاک، صرفه‌جویی در آب، سیستم‌های نوین تولید کشاورزی (برای صرفه‌جویی آب و ازدیاد محصول و گسستن وابستگی از اجانب) باشد. اگر زیربنا‌های کشور درست باشد، مردم خودشان ابتکار عمل برای توسعه و رفع بی‌کاری خواهند داشت. سرگرم‌شدن دولت، مجلس، تشخیص صلاحت و شورای نگهبان به حرف‌های دهان‌پرکن که در عین زیبایی و فریبنده‌گی اینان از حصول عمل صالح در کشور می‌شود، به برنامه ششم توسعه مبرع و معضلات اجتماعی نتیجه‌ای ندارد. به جز ناشی‌توسعه نگاه کنیم، بدون تردید برنامه‌ای کامل و قابل تأمل بود و به بسیاری از مسائل توجه شده بود، اما انبوه برنامه‌ها همچون کلاف سردرگم بدون شروع و پایان و بدون اولویت تومته شده بود. اولویت ماده یک آن مثل ماده ۴۰ یا ۵۰ آن بود. یک مجموعه‌ی از عملیات موازی بدون تقدیم و تقدم بود و چنین بود که این برنامه بیش از حدود ۲۰ درصد پیشرفت نداشت. این ۲۰ درصد همان‌هایی بود که اگر اصلا برنامه ششم توسعه هم وجود نداشت، در جریان اجرایی کشور عمل می‌شد. اگر می‌خواهیم ایران فروریزد و پایدار باشد (بعجز اقدامات دفاعی که بدیهی و واضح واضاحت است) و مردم و نسل‌های آینده بتوانند در آن زیست کنند، اولویت‌های اصلی را باید در نظر آورد و سرمایه‌گذاری‌های روی آنها متمرکز شود، و در این صورت است که مدرسه، کارخانه، دانشگاه، خانه، مغازه، محل تفریحی و کشتزار خود توسط مردم ایجاد می‌شود؛ والا اگر شرایط زیست آماده نباشد، فردا باغ‌های میوه خشکیده، مزارع لم‌ریز، دکل‌های برق و لوله‌های گاز و نفت منهدم شده و مردم آواره می‌شوند. ریاست معزز مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی اگر فردا صبح که از خواب بیدار شوند، آب در لوله‌های خانه‌شان نباشد، دست و برق و گاز قطع شده باشند، چه خواهند کرد؟ آیا اولویت‌ها را نمی‌فهمیم یا نمی‌خواهیم بفهمیم؟